

## تربیت دینی تفکرمحور، یا ظاهرگرا؟



مسئله تربیت دینی فرزندان، از جمله مسائلی است که ممکن است سال‌های سال به دغدغه یک خانواده مذهبی مبدل شود. پدر و مادری که هر دو دغدغه مذهب را دارند، دوست دارند فرزندشان نیز همچون خود آنها اهل نماز خواندن، روزه گرفتن و دیگر عبادات باشد.

مسئله تربیت دینی فرزندان، از جمله مسائلی است که ممکن است سال‌های سال به دغدغه یک خانواده مذهبی مبدل شود. پدر و مادری که هر دو دغدغه مذهب را دارند، دوست دارند فرزندشان نیز همچون خود آنها اهل نماز خواندن، روزه گرفتن و دیگر عبادات باشد.

آنها نمی‌خواهند فرزندشان نسبت به وظایف دینی اش بی توجه باشد و فردی بی قید نسبت به مذهب بار آید. آنها انتظار دارند فرزندشان نیز همچون خود آنها، برای نماز صبح بیدار شود و در ایام ماه مبارک رمضان، روزه بگیرد؛ اما برای این که به این خواسته برسند، باید چه کنند؟ آیا اساساً چنین خواسته‌ای، خواسته‌ای معقول و مشروع است؟ آیا پدر و مادر باید آینده فرزند خود را کاملاً تعیین کنند؟ آیا نباید فرزندشان را در مورد مسائل مذهبی آزاد بگذارند؟ اینها سوالاتی است که ممکن است هر پدر و مادری با آنها مواجه باشد.

### چقدر نسبت به هدایت کودک مان مسئول هستیم؟

مسئله پدر و مادر نباید نسبت به مسائل مذهبی کودک، بی تفاوت باشند، بنا نیست که کودک را به حال خود رها کنند و هیچ آموزش دینی به او ندهند. اما آیا ما مسئول هدایت کودکمان هستیم؟ بسیاری از والدین تصور می‌کنند مسئول به بهشت رفتن کودک خود هستند؛ در صورتی که چنین تصویری، نه عقلانی است و نه اسلامی. حجت الاسلام والمسلمین محمد مسلم وافی، در یکی از برنامه‌های خانه مهر (از شبکه معارف رادیو) در باب این مسأله به نکته خوبی اشاره کردند. به بیان ایشان، بر اساس آیات قرآن، هدایت انسان‌ها، اساساً در وهله اول حتی کار پیامبر(ص) هم نیست، بلکه هدایت در وهله نخست متعلق به خداست. کار پدر و مادر این است که توانایی‌ها و استعدادها را کودک خود را تشخیص دهند و آنها را بیورند.

پدر و مادر باید امور دینی را به فرزندشان منتقل کنند، ولی در عین حال باید به این نکته توجه داشته باشند که تربیت دینی به بیان حجت الاسلام وافی، به دو بخش تقسیم می‌شود: تظاهرهای دینی (مثل شرکت در دسته‌های سوگواری عاشورا، زیارت حرم ائمه، نماز خواندن و...) و تفکر دینی. هر دو این موارد لازم هستند ولی تفکر دینی از تظاهرهای دینی، مهم‌تر است: تفکر دینی مهم‌تر از تظاهر دینی است، زیرا در سپاه عمر سعد هم افراد نماز خوان وجود داشتند. امروز نیز بسیاری از افراط‌گرایان طالبانی و داعشی، نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند، ولی آیا آنها اهل هدایت و اسلام هستند؟ تفکر دینی، دلایل پرستش را در اختیار ما قرار می‌دهد. برای انتقال حجاب به دختران، باید تفکری که حجاب بر اساس آن واجب شده، به دختران منتقل شود. اگر ما این تفکر را به آنها منتقل نکنیم، حجاب آنها اساس محکمی نخواهد داشت و با مواجهه با اولین شبهه، ضعیف خواهد شد. ما همه می‌دانیم که ازدواج از مظاهر دین اسلام است و می‌دانیم که پیامبر اسلام(ص)، کسی را که به ازدواج رغبت نشان نمی‌دهد، از خود نمی‌داند. اما تفکری که پشت ازدواج قرار دارد چیست؟ اگر این تفکر را به فرزندانمان انتقال ندهیم، دخترانمان موقع ازدواج هزاران سکه را به عنوان مهریه مطالبه می‌کنند و انتظار دارند عروسی‌شان در مجلل‌ترین و گران‌قیمت‌ترین سالن‌ها برگزار شود. نتیجه چنین ازدواج‌هایی هم می‌تواند پس از چند سال، طلاق باشد. چرا که فرزندان ما ازدواج اسلامی را به مثابه مظاهر دینی پذیرفتند ولی تفکر پشت این ازدواج را فراموش کرده‌اند. آنها نمی‌دانند که تفکر دینی، مقتضی این است که زن و شوهر مونس یکدیگر باشند، لباس یکدیگر باشند، بدی‌های یکدیگر را بپوشانند و به یکدیگر محبت کنند و خلأهای عاطفی یکدیگر را پاسخ دهند. قرار نیست که زن و شوهر صرفاً از یکدیگر انتظارات دشوار داشته باشند، زن، شوهر را به مثابه کارخانه تولید اسکناس ببیند و شوهر، همسرش را صرفاً وسیله پخت و پز و برده جنسی تلقی کند.

اگر ازدواج اسلامی، صرفاً در حد و حدود مظاهر اسلامی باقی بماند، پوچ و زودگذر خواهد بود. در باب نماز و روزه هم همین سخن صادق است. اگر ما به فرزندانمان آموزش ندهیم که روزه، قرار است به معرفت نفس و نیز کمک به فقرا بینجامد، این روزه برای کودک ما، برای نسل آینده ما، بی‌معنا و پوچ خواهد بود و دوام چندانی نخواهد داشت. ما گاهی در ارتباط با تربیت دینی فرزندانمان، از حدودی که معصومین(ع) برای ما تعیین کرده‌اند، عبور می‌کنیم. مثلاً کودک را از همان سنین دو سه سالگی می‌خواهیم نمازخوان کنیم. نباید از دو سه سالگی بچه را وادار به نماز خواندن کرد. اهل بیت می‌گویند پنج سالگی تازه سبحان الله را به کودک آموزش دهید. این دستور، کاملاً عاقلانه است؛ چرا که اگر از سنین پایین کودک را مجبور به نمازخواندن بکنیم، یعنی کاری که اساساً معنی آن را نمی‌فهمد، در بزرگسالی نماز برای او مبدل به یک خاطره ناخوشایند خواهد شد، چرا که ما نماز را به زور جایگزین بازی‌های کودکانه او کرده‌ایم.

### چگونه تفکر دینی را به کودک منتقل کنیم؟

آنچه ما در وهله نخست باید نسبت به آن حساس باشیم، تفکر دینی است. ما باید سعی داشته باشیم که تفکر دینی را به شکل صحیح و بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین و تفسیر علمای خاص شیعه، به کودکمان منتقل کنیم. بهترین بستر برای انتقال این تفکر، زمانی است که کودک نسبت به کنش‌های دینی ما، کنجکاوی نشان می‌دهد.

یعنی زمانی که - برای مثال- نماز می خوانیم، کودک از ما می پرسد که «چه کار می کنی؟» ما به او پاسخ می دهیم که «نماز می خوانم». سپس از ما می پرسد که «چرا نماز می خوانی». ما در اینجا می توانیم بخشی از تفکر دینی «توحید» را به او منتقل کنیم. ولی باید بدانیم که در حد ظرفیت کودک، باید سخن بگوییم. نباید از همان ابتدا در باره جهنم و عذاب کسانی که خداوند را پرستش نمی کنند، با کودکان صحبت کنیم. بلکه درباره رحمت و مهربانی خداوند با کودکان صحبت کنیم.

وقتی تفکر دینی، به شکل تدریجی به کودک منتقل شود، کودک به مرور به تقلید کنش های دینی علاقه مند می شود. چندان نیاز نیست که او را به نماز خواندن وادار کنیم. بلکه همین که دلیل نماز خواندن ما را بداند و هنگام مسجد رفتن، او را هم همراه خود ببریم و او را در فضای مسجد و نماز قرار دهیم، به نماز خواندن ترغیب می شود.

**حسین برید  
جام جم**